

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۵ _ بخش اول _ معنای جنت _
بررسی ادله قول اول _ مؤیدات و معبدات زمینی بودن جنت
تاریخ: ۲۷ آبان ۱۳۹۹
مصادف با: ۱ ربیع الثانی ۱۴۴۲
جلسه: ۱۴

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث درباره مراد و مقصود از جنت در آیه ۳۵ بود. عرض کردیم چهار قول یا احتمال در اینجا وجود دارد و ما تقریباً ادله یا شواهد هر یک از این احتمالات و اقوال را ذکر کردیم. حال می‌خواهیم ببینیم مقتضای تحقیق در مسئله چیست؟ آیا منظور از این جنت، جنة الخلد است؟ یا باغی از باغ‌های زمینی است؟ یا یک جنت معنوی که با جنة الخلد هم متفاوت است؟ و یا اینکه باید متوقف شویم چون هر یک از این‌ها شواهدی برای خود دارند؟ به نظر می‌رسد این جنت، جنة الخلد قطعاً نیست. باغی از باغ‌های زمینی هم نیست. در صورتی می‌توانیم توقف را هم بپذیریم که نتوانیم شاهد و دلیل روشنی برای اثبات مدعای خود بیاوریم چون اگر توانستیم این کار را انجام دهیم، قهراً محذوری نخواهیم داشت.

بررسی ادله قول اول (باغی از باغ‌های زمین)

اما اینکه برخی ادعا کردند که این باغی از باغ‌های بهشت است و شش دلیل برای مدعای خودشان ذکر کردند، این شش دلیل در واقع هیچکدام نمی‌تواند اثبات کند که منظور از جنت باغی از باغ‌های زمین است.

بررسی دلیل اول

دلیل اول آن‌ها این بود که اگر باغی از باغ‌های زمینی نبود و یا به تعبیری دیگر جنة الخلد بود، نباید ابلیس بتواند در آن انسان را فریب دهد چون آن بهشت به نحوی است که «لا لغوَ فیها و لا تأثیما».

این دلیل تنها اثبات می‌کند که نمی‌تواند جنة الخلد باشد، اما اینکه باغی از باغ‌های زمین است را اثبات نمی‌کند. تنها چیزی که با این اثبات می‌شود، این است که جنة الخلد نیست. این مهمترین مشکل ادله شش گانه ای است که جلسه گذشته در قول اول ذکر کردیم.

البته اینکه جنت در این آیه بر باغی از باغ‌های بهشت حمل شده، بالاخره پشتوانه نقلی از آیه و روایت هم دارد و اینطور نیست که خیلی بی پشتوانه باشد که این را بعداً عرض خواهیم کرد. ما فعلاً دلیل‌های این‌ها را باید کنار بزنیم و بعد برویم سراغ قرائنی دیگر برای این مسئله.

بررسی دلیل دوم

دلیل دوم این است که اگر این جنه الخلد می‌بود، نباید انسان از آن خارج می‌شد. خصوصیت جنه الخلد این است که کسی از آن خارج نمی‌شود، در حالی که انسان از آن اخراج شده است.

این هم اثبات می‌کند عدم کونها جنه الخلد، اما اثبات نمی‌کند که این باغی از باغ های روی زمین است.

بررسی دلیل سوم

دلیل سوم هم کذلک که می‌گفت اگر جنه الخلد می‌بود، شیطان اصلا به واسطه لعن خدا نمی‌توانست وارد آن بشود و همین که شیطان وارد شده، حاکی از این است که جنه الخلد نیست.

این دلیل هم اثبات نمی‌کند که منظور باغی از باغ های زمین باشد.

بررسی دلیل چهارم

دلیل چهارم این بود که جنه الخلد دار تکلیف نیست. در حالی که در این آیه تکلیف به عهده آدم و حوا گذاشته و می‌گوید: «لا تقربا هذه الشجرة». این دلیل هم اثبات می‌کند جنه الخلد نیست.

ما با توجیهاات دیگری هم که برای بعضی از این امور می‌توان ذکر کرد کاری نداریم. می‌گوییم نهایت این است که مماشات کنیم و همه مطالب شما را هم بپذیریم، نهایتش این است که جنت مذکور، جنه الخلد نیست.

بررسی دلیل پنجم

در دلیل پنجم می‌گویند جنه الخلد اگر می‌بود، در حقیقت آنجا دارُ الثواب است و باید انسان کاری کرده باشد تا پاداش و جزای اعمالش را ببیند در حالی که آدم ابتدائاً بدون هیچ تکلیف و موافقت با تکلیفی وارد این جنت شده. پس نمی‌تواند جنه الخلد باشد.

همانطور که عرض کردم، این پنج دلیل جنبه سلبی دارد. یعنی اینکه این جنت، جنت خلد و جاودانه نیست.

بررسی دلیل ششم

دلیل ششم این‌ها این بود که اگر ما در داستان خلقت آدم دقت کنیم، خداوند آدم را روی زمین و از گل آفرید و بعد روح در او دمید. وقتی اصل این اتفاق بر روی زمین بوده، لازمه اینکه این جنه الخلد باشد یا بهشتی آسمانی غیر از جنه الخلد، این است که انسان از روی زمین منتقل شده باشد به آن بهشت و بعد دوباره بازگشته باشد به زمین چون می‌گوید هبوط کردند. این دلیل را قرینه گرفتند بر اینکه این نمی‌تواند جنه الخلد باشد، پس باغی از باغ های زمین منظور است.

ما اگر بخواهیم بگوییم منظور از جنت، جنت معنوی و برزخی است، باید به این دلیل پاسخ دهیم. تنها دلیلی که جنبه ایجابی دارد و در واقع دلیل هم نیست بلکه اشکالی است بر اینکه بخواهیم جنت را به معنای خلد یا برزخی بگیریم، این است. آن پنج دلیل دیگر را ملاحظه فرمودید که تنها اثبات می‌کرد که منظور جنه الخلد نیست، اما به نحو ایجابی اثبات این را نمی‌کرد که منظور از جنت باغی از باغ های زمینی باشد.

مؤیدات حمل جنت بر باغی در زمین

۱. در کنار این، ما روایاتی داریم که ظهور در این دارد که منظور از جنت، باغی از باغ های زمینی است. عن الحسن بن بشار عن ابی عبدالله (علیه السلام): سألتُه عن جنة آدم. فقال جنة آدم من جنان الدنيا. يطلع عليه الشمس و القمر و لو كانت من جنان الخلد ما خرَجَ منها أبدا.^۱ طبق این روایت امام صادق (علیه السلام) تصریح می‌کند آن جنتی که آدم با حوا در آن ساکن شد، باغی از باغ های دنیا است و شمس و قمر در آن طلوع می‌کنند. روز خورشید طلوع می‌کند و شب ها ماه. خود طلوع خورشید و ماه را در آن جنت، دلیل بر این گرفتند که منظور جنان دنیایی است و اگر جنة الخلد می‌بود، از آن خارج نمی‌شدند. پس دو تا شاهد آورده برای اینکه این باغی از باغ های بهشت است؛ یکی اینکه از آن خارج شدند و دیگر اینکه در آن طلوع شمس و قمر وجود دارد.

یکی از این دو را که ما جزء ادله شش گانه ذکر کردیم. اینکه ما خرَجَ منها أبدا یک قیاس استثنایی است که و لو کان من جنان الخلد ما خرَجَ منها أبدا. این نهایتش این است که اثبات می‌کند آن جنت، جنة الخلد نبوده چون نباید از آن خارج می‌شد. این همان دلیل دومی است که ذکر کردیم و پاسخ دادیم که این اثبات نمی‌کند که این جنت دنیایی باشد. ولی آن اولی که یطلعُ علیه الشمس و القمر، جنبه ای ایجابی دارد چون با توجه به اینکه طلوع خورشید و ماه از خصوصیات این دنیا است معلوم می‌شود که این جنت، جنتی دنیایی است.

۲. به علاوه اطلاق جنت بر باغ دنیایی در قرآن نظیر دارد لذا فکر نکنید که جنت فقط بر بهشت معنوی و آخروی اطلاق می‌شود. خداوند میفرماید: «وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ». او داخل در باغ خودش شد در حالی که بر خودش ظلم کرده بود. این جنت بر بهشتی دنیایی اطلاق شده بود. پس اطلاق جنت بر یک باغ دنیایی در قرآن هم هست و لذا اینجا مشکلی نیست.

این روایت که می‌گوید خورشید و ماه در آن طلوع می‌کنند، تقویت می‌کند این احتمال را که منظور از جنت باغی از باغ های دنیا است.

۳. دلیل ششم هم که می‌گفت خداوند انسان را از آب و گل آفریده هم تقویت می‌کند که منظور از جنت، باغی از باغ های زمین است.

پس آن ادله ای که تا به حال ذکر شده بود برای اینکه منظور از این جنت باغی از باغ های زمین است غیر از آن آخری، هیچکدام دلیل بر این مطلب نبودند. آنچه که می‌تواند واقعا شاهد و قرینه باشد، این چند مسئله است. یکی اینکه انسان را بالاخره روی زمین آفریده شده، یعنی ما اگر بخواهیم این جنت را بهشت برزخی یا معنوی بدانیم، بالاخره باید این چند

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۸۰، حدیث ۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۲، حدیث ۱۱۷.

مسئله را حل کنیم. یکی این روایت است که بالاخره منظور از این روایت چیست؟ چون می‌گوید طلوع شمس و قمر. اگر بهشت مذکور غیر از باغ‌های زمینی باشد، طلوع شمس و قمر چه می‌شود؟

۴. یک مسئله دیگر که می‌تواند شاهد باشد بر اینکه منظور از جنت باغی از باغ‌های زمین است، در خود همین آیه، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید و «کلا منها رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا». این گرسنگی و در مقابل آن فراهم شدن انواع غذاها و مأكولات، حاکی از این است که منظور باغی از باغ‌های دنیایی بوده. چون گرسنگی و سیر شدن برای این دنیا است. در بهشت معنوی یا بهشت خلد گرسنگی راه ندارد. پس اینکه می‌گوید «کلا منها رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا»، خودش قرینه‌ای است بر اینکه جنت بر روی زمین بوده است.

سوال:

استاد: این‌ها پاسخ دارند و بنده فعلا در مقام بیان هستم. آن ادله‌ای را که برخی بیان کرده بودند هیچکدام به غیر از آخری شأنیست استدلال برای اینکه اثبات کند این جنت باغی از باغ‌های بهشت است نداشت.

سوال:

استاد: خیر، او هم می‌گوید برخی چنین گفته‌اند و استدلالشان هم این است. عرض کردم پنج دلیل از آن شش دلیل، در واقع فقط اثبات می‌کند این جنة الخلد نیست نه اینکه اثبات کند این باغی از باغ‌های زمین است. فقط دلیل ششم این شأنیست را داشت و دو مؤید هم ما ذکر کردیم که منظور از جنت باغی از باغ‌های زمین باشد.

مبعدات حمل جنت بر باغی در زمین

در کنار این‌ها، ما قرائن دیگری داریم که بر اساس آن‌ها اصلا نمی‌تواند این جنت به معنای باغی از باغ‌های بهشت باشد. ۱. از طرفی اهباط یعنی سقوط و نزول و کأن انسان در یک جایی و موقعیتی قرار داشته که از آنجا سقوط کرده و نزول کرده به زمین. اگر باغی از باغ‌های بهشت می‌بود، معنا نداشت که خدا بفرماید که هبوط کن. اینکه بعضی توجیه کردند که منظور از هبوط انتقال از بقعه‌ای به بقعه‌ای دیگر است، واقعا خلاف ظاهر است. چه دلیلی وجود دارد که ما مرتکب خلاف ظاهر بشویم؟ بله اگر نتوانیم این باغ را از باغ‌های آسمانی یا جنت برزخی و معنوی قرار دهیم، آنوقت باید توجیهی داشته باشیم در حالی که معتقدیم می‌توان معنایی برایش تصویر کرد. پس یکی مسئله هبوط است.

۲. قرینه دیگر این است که این مضمون در سه موضع در قرآن آمده است. یکی این آیات است، یکی هم آیات ۱۱۵ تا ۱۲۶ سوره طاه و دیگری آیات سوره اعراف است. در توصیف این جنتی که آدم در آن سکونت یافته به امر خداوند، در آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره طاه اوصافی ذکر شده که با حمل جنت بر باغی از باغ‌های زمین سازگار نیست. می‌فرماید:

«إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ أَنْكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَ لَا تَضْحَى»^۱ این خصوصیت که در آن سختی، گرسنگی، تشنگی، سرما و گرما وجود ندارد، حاکی از این است که منظور باغی از باغ های دنیا نیست.

ما الان با دو دسته شاهد مواجه هستیم. یک دسته تقویت می‌کند که این جنت باغی از باغ های دنیا باشد، یک دسته هم این را تضعیف می‌کند و مبعّد این است که منظور باغی از باغ های بهشت باشد. هر دو هم قرائن قابل توجهی دارند. اینکه فخر رازی نقل می‌کند که بعضی توقف کردند چون هر دو طرف شواهدی دارند و روایاتی مؤیدشان است، خیلی بی جهت نیست. ملاحظه می‌فرمایید که از آیات قرآن و روایات شواهد و قرائن جانبی وجود دارد و به هر حال در اینجا باید قضاوت کرد.

پس ما حداقل دو یا سه شاهد ذکر کردیم مبنی بر اینکه این جنت باغی از باغ های بهشت است و چند شاهد هم بر اینکه نمی‌تواند منظور از جنت باغی از باغ های بهشتی باشد ذکر کردیم. حال چه باید کرد؟ آیا راهی دیگر وجود دارد؟ اینکه نمی‌تواند از باغ های زمینی باشد، پس این چیست؟ چون فرض هم این است که جنة الخلد هم نمی‌تواند باشد، آیا بهشت دیگری در اینجا قابل تصویر است؟

عمده این است که اگر بتوانیم بهشتی را تصویر کنیم که خصوصیات جنة الخلد را نداشته باشد و با باغ های زمینی هم متفاوت باشد و دو مسئله ای را که گفتیم بتوانیم در آن جای دهیم، آیا از این مشکلات رها می‌شویم؟ این چیزی است که باید در جلسه آینده درباره اش بحث کنیم که بالاخره این جنت می‌تواند جنتی باشد که ابلیس هم در آن ورود کند، فریب دهد و گناه هم در آن صورت بگیرد و خورشید و قمر هم در آن طلوع کند و گرسنگی و تشنگی هم در آن باشد؟ آنوقت این مسئله هم باید باشد که بدن طبیعی هم بتواند داخلش شود. این یک مجموعه ای است که تصویرش مشکل است و فرض کنیم که انسان با بدن طبیعی رفته در آنجا و در عین حال از آنجا هبوط هم بتواند بکند. پس باید تصویری از این بهشت ارائه دهیم که جامع همه این جهات باشد.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. سوره طاه، آیات ۱۱۸ و ۱۱۹.